

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۵/۰۲



انجنیرزلمی نصرت

در مورد چاپ کتاب «پندنامهی فروپاشی»



آگهی بایسته!

چاپ کتاب «پندنامهی فروپاشی» که بیش‌ترین به زاویه‌های تاریک و معمایی سقوط عبرت‌ناک حاکمیت دولتی در ثور سال ۱۳۷۱ خورشیدی پرداخته است در دو بخش جداگانه و دارای پیوند خردورز از خامه‌ی زلمی نصرت و غزلی لایق در حال آماده‌شدن است. در این اثر برای بار نخست پرسمان‌های درون‌حزبی حزب وطن در برهه‌ی آشوب‌ساز پس از پلینوم هژدهم کمیته‌ی مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تا فروپاشی حاکمیت حزب وطن از دو تیرکش مورد اصابت نقد و واکاوی قرار گرفته است:

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

یک،

اندازه‌گیری کش و قوس‌ها در چنبره‌ی رهبری حزب وطن با چشم‌داشت این «اصل زرین» همان ساختار قشله‌گرا: «رهبری جمعی و مسئولیت‌های فردی» (غرزی لایق)

دو،

چشم‌انداز بی‌ریا از ریزبین لشکر بی‌دفاع و همیشه بی‌خبر همان حزب سربازخانه‌یی که در آموزه‌ها، آموزه‌ها و شنیده‌گی‌های زلمی نصرت بازتاب مسئولانه یافته است.

□□□□

در سرسخن بخش نخست کتاب منجمله آمده است:

«خیلی آدم‌ها پیشوای شان را فقط از ورای حرف‌هایشان که گفته می‌شوند باور می‌کنند، از ورای سخن‌رانی‌هایشان ایمان می‌آورند، هیچ آدمی اما، نمی‌داند پشت آن دروازه‌های بسته چه اتفاق‌ها رخ می‌دهند...» (نیکولو ماکیاولی)

□

جستار «فروپاشی» حزب وطن و حاکمیت آن در ماه ثور سال ۱۳۷۱ خورشیدی برابر با ماه اپریل سال ۱۹۹۲ میلادی و پی‌آمدهای مرگبار آن برای هستار مادی و روحانی همبودگاه افغانی هنوز نیاز به بازگشایی و رمززدایی دارد. بی‌گمان، در برگه‌های گه شماری پر آشوب و هنگامه ساز سرزمین دردیده‌ی ما جای‌گاه همان هبوط‌پندآموز با چند خبررسانی کژوراست و با چند نگاشته و بیان یادواره‌های ناقص و آمند جاودانه‌گی خواهد یافت، آنچه پشت درهای بسته اما، فیلم‌نامه‌ی آن کابوس را نوشتاری می‌ساخته است تا دیرها و حتی برای همیشه ناگفته و ناسفته باقی خواهد ماند. با دریغ، آنانی که بازی‌گران روراست افغانی آن فاجعه بوده‌اند، کمابیش همه به ابدیت پیوسته، در این میانه اما، نه از بیرک کارمل و نه از محمود بریالی و نه از داکتر نجیب‌الله با آن‌که پس از «فروپاشی» زمان کافی در اختیار داشته‌اند، حرف و حدیث باورمند و شفاف و بی‌غش برای تاریخ به ارث نمانده است. آنچه زیر نام «نامه‌های داکتر نجیب‌الله» در سال ۲۰۰۴ میلادی به چاپ رسانده شد و در آنتیه‌ی این واکاوی به درون‌مایه‌ی آن پرداخته شده است، به هیچ‌صورت نمی‌تواند ذهن کنجکاو و تاریخ‌نگر را به بسنده‌گی و تسکین برساند. از این رمگذر بازگشت به جستار «فروپاشی» به هدف کالبدشگافی فن‌شناسانه‌ی آن یک نیاز و ناگزیری دانش‌محور و تاریخ‌نگارانه است و هنوز تا دیرها به کاوش گوشه‌های نه‌گفته‌ی آن خواهند پرداخت.

دست‌آویزهای میسر و پارمی از نگاشته‌ها پیرامون «فروپاشی» که بیش‌ترین در آوند کینه‌های پارینه‌ی درون‌حزبی، چیره‌گی جو عسرت‌ها و حسرت‌های پس از شکست و روان بیمار و آسیمه‌ی برخی نویسنده‌ها و گوینده‌های حزبی در دیار غربت به بازار اندیشه راه باز می‌کرده‌اند، بی‌گمان، کار جداکردن سره از ناسره را با کساد و رکود سردچار می‌ساخته‌اند. به ویژه نوشته‌هایی که از خامه‌ی کسان نزدیک به چنبره‌ی رهبری حزب وطن و نیز سهم‌داران سرراست «فروپاشی» راهی بزن‌گاه کاوش‌ها و کنکاش‌ها می‌گردیده‌اند، به جای گشودن گره چپستان‌ها، گره‌های تازه به این پرسمان می‌افزوده و سبب بروز گمانه‌زنی‌ها و زایش افسانه‌ها و فراداده‌های ناروا و گمراه‌کننده می‌شده‌اند. یک‌جانبه‌گی و حزبیت تام در بیان رخ‌داده‌ها، کژدیسه‌گی بیمناک در رونمایی شناسه‌ی آدم‌ها، سرپیچی خشن از ارزش‌های پژوهنده‌گی، بی‌بندوباری در پاس‌داری از هنجارها و روش‌های تاریخ‌نگاری و سری از بدرفتاری‌های از این سنخ که ویژه‌ی برخی از نوشتارها پیرامون «فروپاشی» و پیش‌زمینه‌های عینی و ذهنی آن رخداد غم‌انگیز می‌باشد، کار بالایی پرونده‌ی «فروپاشی» را کماکان گرم و پرچالش و دوام‌دار نگه می‌دارد...